



واقعیت آخرین حج اباعبدالله(ع) چه بود/ چرا امام حسین (ع) از حرام حج به احرام حرب رهسپار شدند

امیرالحجاج، مکه و مدینه را ترک می کند و به سوی وعده گاه ذبح عظیم می رود اما حج گزاران به سوی عرفات و منی می روند! حتی برخی از خواص هم حضرت را نصیحت می کنند که نرو...

مشهور است که امام حسین(ع) به عمره تمتع احرام بسته بود، اما زمانی که فهمید مزدوران یزید می خواهند حضرت را در حرم امن الهی به شهادت برسانند، ناچار شد حج خود را ناقص و نیمه تمام رها کند و به تعبیری حج را به عمره مفرده تبدیل سازد، اما این سخن بی گمان خطا و اشتباه است. واقعیت این است که امام حسین(ع) از همان اول به نیت عمره مفرده احرام بسته بود و در فقه اهل بیت(ع) هم مسئله چنین است که هر مسلمانی می تواند در ماه های حج هم، احرام عمره مفرده ببندد و پس از اتمام عمره هم اختیار دارد که به هر جا خواست برود و یا اگر خواست می تواند عمره مفرده را به عمره تمتع تبدیل کند تا اعمال حج را به جا آورد. اما این سؤال به ذهن متبادر می شود که امام حسین(ع) در ایام حج تمتع، چرا نیت عمره مفرده کردند؟ به هر حال این شرایط و اوضاع و احوال سیاسی آن زمان بود که باعث شد امام چنین تصمیمی اتخاذ کنند. همان طور که بیان شد در این حکم فقهی آمده است که فردی که در ماه ذی الحجه نیت عمره مفرده کند بعد از پایان عمره مفرده می تواند عمره مفرده را به عمره تمتع تبدیل کند پس چرا امام حسین(ع) و همراهان دست عمره مفرده را تبدیل به عمره تمتع نکردند و رهسپار عراق شدند؟ همان طور که در مورد تصمیم قبلی امام حسین(ع) گفته شد شرایط و اوضاع و احوال سیاسی آن زمان بود که باعث شد امام چنین تصمیمی اتخاذ کنند و این امر آنقدر بدیهی است که نیازی به توضیح بیشتر ندارد. امام صادق(ع) در حدیثی می فرماید: امام حسین (ع) در ماه ذی الحجه در حال عمره بود، بعد در روز ترویه(هشتم ذی الحجه) در حالی که مردم به سوی منی می رفتند آن حضرت به سوی عراق روانه شد و هیچ اشکالی ندارد؛ کسی که نمی خواهد حج گزارد، می تواند در ماه ذی الحجه، عمره به جای آورد. سیدالشهدا(ع) به خاطر ناامنی مکه برای حضرتش و اینکه مطلع شد نیروهای یزیدی درصدد قتل او در مکه هستند چنین تصمیمی اتخاذ کردند. کار امام حسین(ع) هم جنبه حفظ قداست حرم الهی را داشت و هم نمی خواست در ایام حج و در بیت الله الحرام خودش ریخته شود و هم با بیرون شدن از مکه، در روزی که همه از هر سو به مکه آمده اند و عازم عرفات هستند، نوعی بیدارگری در وجدانها و ایجاد سؤال در ذهنهاست و به این صورت، خبر خروج اعتراض آمیز وی بر ضد حکومت، توسط حاجیانی که از همه مناطق و شهرهای جهان اسلام آمده بودند و اینکه آن حضرت، در حرم امن الهی هم امنیت و مصونیت ندارد، همه جا پخش می شد و این نوعی مبارزه تبلیغاتی بر ضد یزید بود.

امام خمینی(ره) در تجلیلی بلند از این اقدام امام حسین(ع) می فرماید: «زائران عزیز از بهترین و مقدس ترین سرزمینهای عشق و شعور و جهاد، به کعبه بالاتری رهسپار شوند و همچون سید و سالار شهیدان حضرت ابی عبدالله الحسین(ع)، از حرام حج به احرام حرب و از طواف کعبه به طواف صاحب بیت و از توضع به زمزم به غسل شهادت و خون رو آورند و به امتی شکست ناپذیر و بنیانی مرموص مبدل گردند که نه ابر قدرت شرق یارای مقابله آنان را داشته باشد نه غرب ... که مسلما روح و پیام حج، چیز دیگری غیر از این نخواهد بود و مسلمانان، هم دستورالعمل جهاد نفس را جدی بگیرند، هم برنامه مبارزه با کفر و شرک را.» امیرالحجاج، مکه و مدینه را ترک می کند و به سوی وعده گاه ذبح عظیم می رود اما حج گزاران به سوی عرفات و منی می روند! حتی برخی از خواص هم حضرت را نصیحت می کنند که نرو! یا بن رسول الله(ص)، حال که می روی با زن و فرزندان نرو! نمی دانند وعده الهی است و خداوند می خواهد حسین را کشته ببیند! امام رضا(ع) فرمود: چون خدای عزیز و شکوهمند ابراهیم(ع) را امر نمود که جای فرزندش اسماعیل(ع) گوسفندی را که خدا برایش فرو فرستاده بود قربانی نماید، ابراهیم(ع) درخواست نمود که فرزندش اسماعیل را با دستش ذبح نماید و اگر او به کشتن گوسفند امر نمی شد همین کار را می کرد تا آن داغی را که به قلب پدری که عزیزترین فرزندانش را با دست خود قربانی نموده وارد شده به دل او هم وارد شود، و به این ترتیب سزاوار بلندترین درجات اهل ثواب بر بلاها گردد. پس خدای بزرگ و بلندمرتبه به او وحی نمود: ای ابراهیم(ع) چه کسی از آفریدگانم را بیشتر دوست داری؟ گفت: پروردگارا تو کسی را نیافریدی که از دوست محمد(ص) محبوبتر باشد. خدا بدو وحی نمود: آیا او را بیشتر دوست داری یا نفس خود را؟ گفت: بلکه من او را بیشتر از خود دوست دارم. فرمود: فرزندش نزد تو محبوبتر است یا فرزند خود؟ گفت: بلکه فرزند او. فرمود: کشته شدن فرزند او به ستم و ظلم به دست دشمنانش دل تو را بیشتر به درد می آورد یا کشته شدن فرزندت به دست خودت در راه اطاعت از من؟ پروردگارا بلکه کشته شدن او به دست دشمنانش قلب مرا بیشتر به درد می آورد. فرمود: ای ابراهیم، پس همانا گروهی که گمان می کنند که از امت محمد(ص) هستند به زودی بعد از او دست به خون فرزندش آغشته می سازند و او را به ظلم و ستم همچون گوسفندی می کشند، و بدین واسطه مستوجب خشم من خواهند شد.

پس ابراهیم به خاطر آن بی تاب شد و دلش به درد آمد و به گریستن پرداخت. خدای بزرگ و بلند مرتبه بدو وحی فرمود: ای ابراهیم به تحقیق فدیة بی تابانی بر فرزندت اسماعیل یعنی اگر او را ذبح می کردی به اندوهگینیات بر حسین(ع) و کشته شدنش برابر گشت و برای تو بلندترین درجات اهل ثواب بر مصیبتها خواهد بود و آن سخن خدای عزوجل است که فرمود: «وَقَدْ يَتَا ذَبْحِ عَظِيمٍ: ما قربانی بزرگی را فدای او ساختم.» (الصافات/107)